



درون مایه‌های ادب نامه و دستورنامه نزاری قهستانی

زهرا قزلسفلی^۱

چکیده

نزاری قهستانی، شاعری است که توفیق یافته است عالی‌ترین و زیباترین احساسات آدمی را با محوریت عشق و دوستی به زبان شعر بیان کند. / ادب نامه و دستور نامه نزاری به واسطهٔ مسلمان بودن شاعر، سرشار از اخلاق خوب و نیک رفتاری است و رویکردهای اخلاقی و انسان ساز در این دو اثر مشهود است. این مقاله به بررسی درون مایه‌های / ادب نامه و دستور نامه نزاری قهستانی می‌پردازد. در مقاله حاضر با ارائه شواهدی از متون نشان داده ایم که این شاعر، حکیم و استادی است که مخاطب را غیر مستقیم پند و اندرز می‌کند. همچنین نشان داده‌ایم که در سراسر متن به توصیف فضائل اخلاقی پرداخته است و بر این نکته تأکید می‌کنیم که اخلاق و انسان دوستی در قلم او موج می‌زند. نزاری توفیق آن را داشته که به تعلیم اخلاق مردمی به زبان غیر مستقیم بپردازد.

کلیدواژه: نزاری قهستانی، ادب‌نامه، دستورنامه، درون مایه، اخلاق.

مقدمه

حکیم سعدالدین نزاری بیرجندی قهستانی (۷۲۰-۶۴۵) از شاعران و سخنوران گران قدر ایران زمین در قرن های هفتم و هشتم است. او در حدود ۷۵ سال عمر پر بار خود، توانسته است آثاری از خود به یادگار بگذارد که در ردیف بزرگان ادب فارسی به حساب آید. نزاری به سخن ساده و بی تکلف گرایش دارد و قسمت عمدهٔ دیوان او را غزلیاتش تشکیل می‌دهد.

تألیفات مهم حکیم نزاری مشتمل است بر غزل ها، قصاید، ترکیبات، ترجیعات، مقطعات و مثنوی های دستورنامه، ادب نامه، سفرنامه و ازهر و مزهر، مثنوی روز و شب و مکاتبات منظوم.

ما در این پژوهش به دو اثر ادب نامه و دستور نامه او که به بیان سخنان نصیحت آمیز که درون مایه آن ها جنبه های اجتماعی و تربیت اخلاقی است می‌پردازیم.



ادب نامه دارای دوازده باب است و شاعر آن را بر اساس شاهنامه فردوسی و کلیله و دمنه در پنجاه سالگی و به سال ۶۹۵ ق سروده است. دستورنامه که مشهورترین اثر نزاری است بشیوه بوستان سعدی در حکمت، اخلاق و آداب معاشرت در اوایل سال ۶۸۹ سروده شده است.

زمانه نزاری و اقتضات آن

نزاری در یک دوران تاریخی بسیار مهم و حساس ایران به دنیا آمد و زندگی کرد و از دنیا رفت. او در سال ۶۴۵ هجری قمری چشم به جهان گشود و در حدود سال های ۷۰۰ تا ۷۲۰ از دنیا چشم بر بست. زمانه نزاری زمانه ای است که از خراسان با آن همه بزرگی و شکوه گذشته، اثری قابل توجه دیده نمی شود.

حال باید دید در چنین دوره ای که خفقان بر خراسان سایه افکنده، این شاعر خراسانی و پر احساس و مردم دوست، درباره احساسات و باورها و آمال خود چه می تواند بگوید و چگونه بگوید و اقتضات زمان، او را به چه روش و مسیری هدایت می کند؟

یقین داریم که نزاری از روزگار خود تأثیر پذیرفته و از اوضاع خراسان و رنج ها و دردهای مردم خود سخن ها دارد اما شرایط تیره زمان اجازه پرده برداری از حقایق را از او سلب کرده است. اینجاست که او زبان عشق و عرفان و نماد را بر می گزیند.

با آشنایی اجمالی از روحیات و اندیشه های نزاری قهستانی پیشاپیش می توان گفت که درون مایه های شعری، شاعری رسالت مدار، پاک اعتقاد و موحدی چون نزاری قهستانی در چنین دوره ای طبعاً باید بیشتر مربوط باشد به: اظهار تنفر از فقر و نامهربانی ها و بی عدالتی های موجود، تصویر فقر و بدبختی محرومان، بیان درد و رنج مردم، دعوت به اخلاق و انسانیت و عدالت و مراعات حقوق مردم، دلسوزی برای طبقات پایین جامعه و همدردی با آنان و امثال اینها، البته نزاری در کنار این موضوعات متنوعی که طرح می کند دعوت به خردورزی، سعی و تلاش، کسب دانش و هنر و فضیلت و خدا محوری را در سر لوحه سخنان خود دارد. او کسی است که با وجود جو خاص زمان، در افشای حقایق زمان به زبان ساده خود می پردازد.

درون مایه های شعر نزاری

نزاری همچون سعدی، مولانا، سنایی و دیگران متعهدانه به بیان رسالت شاعرانه خود می پردازد تا بازگو کننده بخشی از خواست ها، دردها و افکار مردم خود باشد. شعر نزاری آینه ای است که انعکاس دهنده اعمال و رفتار انسان هاست او در آئینه آثار خود، به بازتاب رفتارهای مردم برای مخاطبان پرداخته است.



درون مایه آثار نزاری، متنوع، غنی و حکیمانه است و یادآور آثار حکیمانه و شعر زهد حکیم سعدی است با همان قدرت، صلابت، غنا و در عین حال دلسوزانه، به راستی همین آثار اندک نزاری و درون مایه های آن کافی است که بتوان او را با شاعران حکیم ایران مقایسه کرد؛ چرا که یک دوره حکمت عملی به صورت مؤجز و بی تکرار در آنها گنجانده شده است. برای مثال در دستور نامه و ادب نامه مطالب جالبی دارد که بیت بیت آن صیقل روح است و در آن مردم را به اعمال و رفتار خدایسندانه و انسانی سوق می دهد:

ز لذات و شهوات برخوردارشکن درخت تن آسانی از بن بکن
ولی چون بدست آوری چاره گر که هر دم بگردد بنوعی دگر
بترک مراد دل خویش گیر مراد دل دیگری پیش گیر

همچنین خطاب صمیمی، مشفقانه و محبت آمیز او در اشعارش به وضوح مشاهده می شود که در ضمن آنها، همه را به همت بلند و فضائل انسانی دعوت می کند و از رذائل اخلاقی پرهیز می دهد:

بضعف و به بیچارگی تن مده برو پای همت بر افلاک نه
ذیلاً پاره ای از درون مایه های آثار نزاری با برخی از شواهد نقل می شود:

در تحمل کردن

برای مثال او در شعری که با موضوع تحمل کردن است تحمل را در شرایط خاصی شرط می داند و می گوید در بعضی از مسائل باید تحمل کرد:

تحمل باندازه کردن رواست خصوصاً که از نعمت پادشاست
نباشد گریز از تحمل جلی بحدی که غالب نباشد ولی
که چون در گذشتی زحد گزاف رعونت شمارند و طامات لاف
چو گوید عدو چون زبان درکشد صف لشکر بغض و کین برکشد
فلان را که کس را نداند بکس ز خدمت تحمل مرادست و بس

در بدل کردن دشمنی به دوستی

لقمان به فرزندش گفت: پسر! برای خود هزار دوست بگیر؛ چرا که هزار دوست کم است و یک دشمن بگیر؛ چرا که یک دشمن هم زیاد است.

در رابطه به اینکه دشمنی ها را از میان بردار و با بزرگ ترین دشمن خود هم دوست باش (در رابطه با میان برداشتن دشمنی ها و دوست بودن با بزرگترین دشمنان)، نزاری این شاعر حکیم بسیار سخنها رانده است؛ از جمله:



عداوت شود با مروت بدل	بسعی تو باید که در عقد و حل
گشاید محبت در آشتی	عداوت بظاهر چو برداشتی
بسی نیز دشمن که شد دوست باز	بسی دوست کودشمنی کردساز
مه انگیز دشمن نگه دار دوست	زمن بشنو ای یار پندی نکوست

آرزو (دیگر خواهی)

همانطور که در آثار پیشینیان سفارش شده خواسته های دیگران را در امور نیک مقدم بر خواسته های خود بدانید و تنها برای خود بهترین ها را نخواهید و دیگران را مقدم بدانید چون اگر در خواست هایتان از خداوند، دیگران را مقدم بدانید خداوند خواسته های درونی شما را زودتر اجابت کند:

بترک مراد دل خویش گیر مراد دل دیگری پیش گیر

خردورزی

پیامبر صلی الله علیه و آله: خرد، نوری است در دل که بدان، میان حق و باطل را جدا می کند. عامل بنیادین در همه آثار مکتوب جهان احساس و خرد است؛ نزاری در آثارش به داشتن خرد اشاره های بسیاری کرده است. شاعر به نور دل، که همان خرد است اشاره می کند؛ و ظاهر پرستی انسان ها را به قلم می آورد؛ خرد با تار و پود اشعارش آمیخته است و... اینها نشانه های حکیمی اوست.

ز اندازه بیرون نباید گذشت	بساط خرد در نباید نوشت
که نه هر کسی را خرد حاصل است	ندانی خردچیسست نوردل است
ز اجناس مردم در ابداع خود	بود بیشتر جامه و کم خرد

همت بلند داشتن

حضور همت بلند انسان ها در جزء جزء این کره خاکی به چشم می آید و آدمی را به تأمل وادار دارد. اگر همت بلند نباشد شادی در پس چهره های انسان ها دیگر مشهود نخواهد بود. بدون همت، زندگی برای ما خوش نیست، با همت بلند همه چیز خوش است و به درجات بالایی خواهیم رسید.

امام علی (ع) گفته است: «ارزش آدمی به قدر همت اوست».

بهمت بر افلاک و انجم خرام	که معکوس سرزیر باشد مدام
کسی را که همت نباشد قوی	الا ای پسر تا زمن بشنوی
گر از اوج چرخش بر آری فزون	زدون همتی سر در آرد بدون
بضعف و به بیچارگی تن مده	برو پای همت بر افلاک نه



حسودی از صفات نکوهیده ای است که در اسلام به پرهیز کردن از آن سفارش شده است از جمله امام صادق(ع) می فرمایند: از حسادت کردن به یکدیگر پرهیزید؛ زیرا کفر ریشه اش حسادت است.

ز چرک حسد دامن جان بشوی	ز یاران خود جز نکوی مگوی
قیامت کند از قیامت بترس	ز حاسد بطعن ملامت بترس
پرستد مقابل چو اهرمنی	ز هر جانبت حاسدی دشمنی
که بادوستان دشمنت هست نیز	ز حساد ایمن مباش ای عزیز
بلطف و مدارا شود نیکخوی	دران کوش تا حاسد عیب جوی
که حاسد کند حمل به خیرگی	بفضل و بدانش مکن خیرگی

به اندازه سخن گفتن

آداب و شیوه سخن گفتن موردی است که بسیاری از افراد جامعه شاید نسبت به آن توجهی نداشته باشند ولی می توان این مهم را از جمله اساس تمدن بشریت برشمرد که ساختار آن را می توان از جمله ارکان بستر هدایت و پیشوایی عنوان کرد که بسیاری از این بزرگواران در ابتدا در پی آموختن این مهم به بشریت بوده اند. بسیاری از آیات قرآن به بحث در این زمینه می پردازد: به او بیان آموخت؛ مستدل و محکم باشد؛ پسندیده و به اندازه باشد؛ نرم و مهربانانه باشد؛ شیوا و رسا و واضح باشد؛ کریمانه و بزرگووارانه باشد؛ زیبا و نیکو و مطلوب باشد؛ بهترین ها گفته شود؛ حتی مجادلات و گفت و گوهای انتقادی، به بهترین وجه باشد.

مگوی ای برادر سخن بر گزاف	اگر راست گویی محالست لاف
فرودآی و نیکوسخن گوش کن	دل و دیده و جان و تن هوش کن
بهر وقت در وقت مجلس ادب	نگه دار و بیپهوده مگشای لب
چو خواهی که از کس نبینی زیان	فرو دوز و بر بند چشم و زبان
بگفتار و کردار اگر راستی	بیک دل عالم بیاراستی

بدی کردن

بدی کردن از صفات نکوهیده ای است که بسامد والایی در این دو مثنوی شاعر دارد و شدیداً نکوهش شده است.

پس از نیکوییها اگر بد کنی	بکردار بد چاه خود خود کنی
بنیکی چو دیدی مکافات خویش	ببد هم بد آید مکافات پیش
ز بد پاک کن باطن و ظاهر	چو کردی نخوانند جز ظاهر



بدیدست نیکی ز پیشانیت
بدکس مخواه و بدکس مگوی
بدی از همه عضو انسانیت
هم آسوده دل باش و هم تازه روی

تواضع

قلم این شاعر ما را به یاد سعدی می اندازد و بر مسائلی که سعدی تأکید کرده است او هم تأکید می کند.
چنان کن تواضع که اهل فسوس
تواضع پسند و تذلل رواست
تصور نه بندند بر چاپلوس
خصوصا که در حضرت پادشاست

در سعی و تلاش

شاعر پیوسته از سعی و تلاش دائمی سخن می گوید و با قلم محکم و منطقی خود تأکید می کند که انسان باید در زمینه های حق کوشش و سعی فراوانی نماید:
بکوش ار شود کار مشکور باش
بخدمت هرانکس که پر کارتر
تو خود جهدمیکن بوسع و توان
بخشنودی از هر زمانی بپوش
و گرنه بتقدیر معذور باش
برتبت همانکس سزاوارتر
که پیوسته باشی بخدمت وران
بجد باش در حق گذاری بکوش

دانش

دانش و خرد، همیشه مورد تحسین و تمجید تمام شاعران و نویسندگان واقع شده است؛ خرد و دانش تا اندازه ای نزد شاعر ما بزرگ و ارجمند است که می گوید گرانمایه تر گوهر است:
گرانمایه تر گوهر اندر جهان
بود دانش آشکار و نهان

هزل

شعر نزاری بستری از پاکی و لطافت گسترانیده است که در آن زشتی ها و ناپاکی ها جایی ندارد بلکه هر چه هست یادآوری ارزش ها و بیان نکات اخلاقی-اجتماعی است. مردمان هزل گو را نشتر می زند که بیش از اندازه آدمی نباید شوخی کند چون باعث رنجش آدمیان خواهد شد.

-مکن هزل پیوسته با مردمان
جز آنرا که این پیشه اوست بس
بهر حال با پادشا راست گوی
چودرهزل گفتمی دروغ از نخست
که کلی شونداز تو دلها رمان
نباشد پسندیده بر هیچکس
وگر هزل باشد ره راست جوی
بگیرند اگر راست گویی درست

راستی



یکی از ویژگی های مثبت آدمیان راستی و درستی است که در درون افراد خردمند دیده می شود و با این ویژگی هر دو عالم در نظر زیبا دیده خواهد شد.

بیک دل دو عالم بیاراستی	بگفتار و کردار اگر راستی
اگر خدمت پادشا خواستی	برو یا اخی پیشه کن راستی
بدست آر ازان گنج سرمایه	بود راستی برترین پایه
خصوصا که در خدمت پادشاست	خردمند را راستی پیشواست
که ناراستی عین کم کاستیست	بهین پیشه درجهان راستیست

مهربانی

این صفت نیک، همیشه مورد تحسین همگان بوده است. نزاری هم به آن اشاره می کند که اگر شخص مهربانی خطا و اشتباه کند همه او را می بخشند.

گناهی که از مهربان شد پدید
جهانش خط عفو در سر کشید

شکر

خطاب صمیمی، مشفقانه و محبت آمیز او در بیت بیت آثارش ملاحظه می گردد؛ از جمله بسیار به شکر کردن سفارش کرده است .

بخدمت بود آن سزاوارتر
که هر دم کند شکر بسیارتر

نتیجه

در پایان گفتنی است که نزاری در موضوعات متنوعی که در یک تقسیم بندی اجمالی مربوط به دو جبهه نادان و دانا، عاقل و جاهل و ... می شود، آثار ارزشمندی دارد و پیوسته از یک سو مدافع فقیران و مظلومان و ستمدیدگان و قصه گوی آلام دردمندان است و از طرف دیگر گاهی اغنیا و ستمگران و متعلمان را به اخلاق انسانی دعوت می کند و گاهی نیز به باد انتقاد گرفته، آنها را از عواقب بی توجهی به نیازمندان و زیر دستان بر حذر می دارد. در یک کلام، شعر نزاری عرصه نبرد فقر و غنا، ظالم و مظلوم و قوی و ضعیف است و خود نزاری به مثابه یک معلم و استاد و داور عادل و مهربان در محکمه وجدان بشری. همچنین شعر نزاری مجموعه ارزشمندی است در زهد و حکمت و بیان فضائل انسانی و دعوت مخاطبان به آنها و پرهیز از ردائل اخلاقی. نزاری منادی توجه به علم و اندیشه، سعی و تلاش دائمی، مهرورزی، عدل گستری و عزت نفس و مناعت طبع



است. او انسان را در قبال جامعه و خدا مسئول می داند و از آنها می خواهد که ضمن خودسازی و تخلق به اخلاق انسانی به وظایف اجتماعی و دینی خود پایبند باشند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۷)، **منتخب میزان الحکمه**، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دار الحدیث، چاپ هشتم.

نزاری قهستانی، سعدالدین بن شمس الدین، (۷۲۰-۶۴۵ق)، **ادب نامه**، دستور نامه [نسخه خطی] نزاری.

حضرت امیر المؤمنین (ع)، (۱۳۹۰)، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت، چاپ دوم.

هدایت، رضا قلی بن محمد هادی، (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق)، **جنگ [نسخه خطی] رضا قلی خان هدایت**.

محقق، مهدی، « جایگاه بدیع در دیوان حکیم نزاری قهستانی»، www.SID.ir.